



این مردم هستند که کشورها را به وجود می آورند بعد برای اداره امور کشور سازوکارهای اداری شکل میگیرد و دولت ها بر اساس نظر و خاستگاه های مردم متکفل امور کشور میشوند. بدون حضور و نظر و خواسته مردم مفهومی به نام کشور وجود نخواهد داشت طبیعی است که چون همه جمعیت یک کشور نمیتوانند زندگی و معیشت و ساختارهای خانوادگیشان را رها کنند و به کشورداری بپردازند. لذا با انتخاب افرادی علاقه مند و شایسته مسئولیت کشورداری به برگزیدگان مردم سپرده میشود که به طور مرسوم شامل قوای سه گانه مقننه، قضائیه و مجریه است. این برگزیدگان با تقسیم وظایف و مسئولیت ها بین خودشان براساس علایق، توانمندی و کارآمدی که دارند متکفل وظیفه ای از امور کشور میشوند. مجموعه افرادی را که از بین مردم بر اساس عوامل در نظر گرفته شده انتخاب شده اند، به معنی عام دولت میگویند و ساختار دولت را تشکیل میدهند. دولت ها برای اداره امور کشور قوانینی را وضع میکنند و مردم را وادار میکنند که آن قوانین و مقررات را اجرا کنند تا اداره امور کشور ساماندهی شود از این جاست که برگزیدگان مردم برای کسانی که انتخابشان کرده اند تعیین تکلیف میکنند و مردم مکلف به اجرای آن مقررات و تکالیف میشوند. ادامه این وضعیت باعث بروز اختلاف نظر میگردد تا جایی که بین مردم و دولت فاصله ایجاد میشود و چالش هایی در کشورداری به وجود میآید. اینجاست که احزاب و گروه های سیاسی تشکیل میگردد و هریک نظر و دیدگاه خود را مناسبترین و بهترین راهکار برای اداره امور جامعه میداند و برای تثبیت آن از امکاناتی مثل چاپ نشریات و رسانه ها بهره میبرد. اینجاست که مبحث شکل دهی و بهره گیری از نهادهای مردمی و ضرورت بهره گیری از حضور حداکثری مردم در همه فرایندهای تصمیم گیری مطرح میشود و هر روز تقویت میگردد. نهادهای مردمی شکل هایی شکل میدهند تا دور از نفوذ و مداخله احزاب سیاسی و جدا از دولت ها برای تسهیل امور جامعه افرادی را که به دلایلی دچار آسیب میشوند و معیشتشان به درستی تامین نمیشود، درمانشان با مشکل مواجه میشود یا تحصیل دانش آموزان با تاخیر مواجه میگردد، مورد حمایت و مساعدت قرار دهند. این گونه است که موسسه های مردم نهاد و خیریه ها ایجاد میشود تا به طور مستقل از دولت البته در کنار دولت و همراه با همکاری نهادهای قانون گذاری و انتظامی بخش هایی از امور به جا مانده در جامعه را که دولت ها به تنهایی قادر به ساماندهی آن نیستند اداره کنند تا از بروز آسیب های اجتماعی، توسعه فقر و نابرابری فرصت ها پیشگیری کنند و با حمایت ها و مساعدت هایی که با کمک مردم و اهل خیر و نیکوکاری انجام میدهند اقشار آسیب پذیر جامعه یک زندگی قابل پذیرش و تحمل داشته باشند. مسلما بیشترین تاثیرگذاری در این مسیر بسیار ضروری را افراد ثروتمند، متدینین، فرهیختگان و دلسوزان کشور عهده دار هستند که ضرورت دارد خدمات این عزیزان انسان

دوست مورد حمایت و پشتیبانی دولت ها قرار گیرد و تسهیل شود. چالش مهمی که اخیرا در مسیر اقدامات خیر خواهانه پیش آمده موضوع تعیین مالیات بر درآمدهای موسسه های خیریه است که توسط حامیان و مساعدت کنندگان به شکل های خیریه ای و اقشار آسیب پذیر کشور تامین میشود. حتی برای ایرانیانی که از خارج از کشور به واسطه صرافی ها پول و کمک مالی برای خیریه ها میفرستند تعیین مالیات میکنند که امری مغایر اهداف بشردوستانه است. حتی مغایر با قانون مالیاتهای مستقیم است که مقرر میدارد معادل کمک افراد خیر به خیریه ها باید از درآمد مشمول مالیات آنان کسر گردد تا اهل خیر تشویق شوند. لذا از مجلس محترم، هیات دولت به خصوص سازمان امور مالیاتی کشور انتظار میرود به فوریت به این موضوع ورود کنند تا اصلاحات لازم در شیوه عمل کارگزاران سازمان امور مالیاتی کشور به عمل آید زیرا این روش عملکرد در حقیقت ضربه بزرگ به امر نیکوکاری و کمک به خیریه ها و جامعه هدف آنها است که محروم ترین افراد جامعه هستند. امیدواریم با مداخله بهنگام مسئولان این مشکل سریعتر بر طرف گردد. مطمئنا با اصلاح عملکردها سازمان امور مالیاتی بیشتر به دولت خدمت میکند و فقر و نابرابری نیز کاهش می یابد.

